

متن پرسش

سلام استاد: ببخشید متنی نوشته بودم می‌خواستم حتما با جنابعالی در میان بگذارم. تشکر. متن: به نام خدا شاید اولین باری نیست که می‌نویسم ولی این نوشتن با بقیه نوشته‌ها متفاوت است نمی‌خواهم گزارش دهم اصلا نمی‌دانم گزارش دادن چیست و چه سودایی دارد؟ می‌خواهم بگویم که صرفا گفته باشم و هیچ ... داستان زندگی ما چیست؟ چرا می‌خواهیم که بدانیم؟ و حتی چرا نمی‌خواهیم که ندانیم؟ اصلا اگر می‌دانیم چه نیازی به خدا داریم؟ ما که می‌دانیم پس... خسته شدم از این همه دانستن «وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بالصبر» نمی‌خواهم تفسیر کنم اصلا جایگاه تفسیر کردن ندارم. ولی می‌شود کمی فکر کرد والعصر ... کدام عصر؟ «ان الانسان لفی خسر» ضرر نکردیم کلا توی ضرریم خب چه کنیم؟ «الا الذین امنو و عملو الصالحات» جایگاه ایمان و عمل صالح کجاست؟ «تواصو بالحق» خب یعنی اون ایمانی ایمانه و اون عمل صالحی عمل صالحه که در نسبت با حق باشه؟ خب بد تر شد که پس حالا حق چیست؟ و «تواصو بالصبر» صبر یعنی، حالا نمی‌دانم. «فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا» صبر به معنای تحمل سختی نیست صبر به معنای تحمل ندانستن اصلا چرا تحمل ندانستن بلکه زندگی کردن با آن ..

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! با نظر به حق معنای حقیقتی گشوده و بیکران در افقی که با ایمان حاصل می‌شود، صبر به همان معنای «انتظار و وارستگی» است تا او، خود با انوار خود ما را متوجه حقیقت خود بگرداند، به همان معنایی که فرمودند: «اول قدم آن است که او را یابی / دیگر قدم آن است که با او باشی». موفق باشید